

مدیر ستاد ساماندهی موقت تعاونی‌های بحران‌زده (وحدت، بیهق و ...) از سوی بانک مرکزی در سال ۸۹:

# سرمایه و زیان عملیاتی اصلی‌ترین شاخص‌ور شکستگی بانک‌ها

شناسایی و رفع چالش‌های حوزه نظام بانکی، افزایش کارآمدی و بهره‌وری بانک‌ها



مطابق ماده ۱۱ فصل دوم قانون پولی و بانکی کشور؛ یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری است. تعیین نسبت دارایی‌های آبی بانک‌ها به تمام دارایی‌ها، انواع بدهی‌های آنها، تعیین نسبت مجموع سرمایه پرداخت شده و اندوخته بانک‌ها به انواع دارایی‌ها، رسیدگی به عملیات و حسابها و اسناد و مدارک بانک‌ها و همچنین تایید صورت‌های مالی نیز از دیگر مواردی است که بر عهده بانک مرکزی است. به گفته مهندس دلبری عضو سابق هیات مدیره بانک شهر اگر ادغام موسسات و بانک‌ها بر اساس شاخص‌های علمی و منطقی صورت گیرد؛ قطعاً می‌تواند در کارآمدی بانک‌ها موثر باشد. اما متأسفانه ادغام‌های صورت گرفته تاکنون براساس اصول علمی نبوده و تنها با سیاست کوچک و کم کردن به هر شکل ممکن در حال انجام است که این موضوع ایراداتی از جمله مواردی که اخیراً شاهد آن بوده ایم (کاسپین و ...) را به همراه دارد. مهندس محمد دلبری عضو سابق هیات مدیره بانک شهر و کارشناس ارشد امور بانکی در گفت و گو با خبرنگار بورس و بانک در خصوص چالش‌های نظام بانکی و ضرورت ادغام بانک‌ها و موسسات مالی توضیحاتی را ارائه کرده است که متن کامل این گفت و گو در ادامه می‌آید:

طاهره گودرزی

که در ماده ۹ قانون اداره بانک‌ها تصریح شده عملاً غیر اجرایی تلقی گردد. حال اگر فرض کنیم قانون تجارت بر بانک‌ها هم حاکم باشد، در ماده ۴۱۲ قانون تجارت ورشکستگی را اینچنین تعریف کرده است: ورشکستگی فرد یا شرکت در نتیجه توقف از تادیه بدهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود. در ماده ۱۴۱ هم اینچنین آمده است: اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه از بین رود، عملاً شرکت ورشکسته است که در این صورت یا باید مجمع عمومی فوق العاده انحلال شرکت را اعلام کند و یا با پرداخت زیان خود از محل سرمایه یا جذب آورده بیرونی بتواند به فعالیت خود ادامه دهد. اگر این دو قانون را با بانک‌های فعال (که بالغ بر ۴۳ بانک و موسسه است) تطبیق دهیم می‌توان فهمید که آیا ورشکسته هستند یا خیر؟ این شاخص‌ها برای بانک‌های دولتی یا خصوصی تفاوتی ندارد. برخی بانک‌ها در بحران‌های پیش آمده اخلاق

ورشکستگی آنها باشد؛ می‌توان به مواردی از جمله عدم پرداخت سپرده‌ها توسط بانک اشاره کرد که به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تایید شورای پول و اعتبار از فعالیت بانک‌ها جلوگیری می‌شود. این ماده از قانون با تصویب لایحه قانون اداره امور بانک‌ها که در مهرماه ۵۸ یعنی بعد از قانون پولی و بانکی تصویب شده است، از حیز انتفاع افتاد؛ چراکه در ماده ۹ لایحه اداره امور بانک‌ها تصمیم‌گیری برای انحلال یا ادغام بانک‌ها منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده بانک‌ها قرار دارد. به دلیل اینکه آن زمان همه بانک‌ها دولتی و اعضاء مجمع از وزرای دولت بودند، این تصمیم‌گیری عملاً در اختیار دولت بود. اما با ایجاد و تاسیس بانک‌های خصوصی و همچنین اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری سهام بانک‌های دولتی به مردم و بخش غیر دولتی؛ ترکیب هیات مدیره و مجامع عمومی بانک‌ها تغییر کرد و طرحی

آیا اخبار منتشره در خصوص ورشکستگی برخی بانک‌ها و موسسات پولی - مالی صحت دارد؟ به نظر شما این موضوع شامل بانک‌های دولتی می‌شود یا خصوصی؟

به نظر بنده قانون جاری حاکم بر نظام بانکداری جامعیت لازم برای دوره کنونی را ندارد و این قانون نیاز به بروزرسانی و بازنگری دارد و خلأها و نواقص موجود باید اصلاح شود. یکی از خلأهای موجود در این خصوص عدم شاخص‌های شفاف و روشن برای تبیین ورشکستگی بانک‌هاست. باید به صراحت تصریح شود آیا قانون تجارت بر بانک‌ها حاکم است؟ و آیا این قوانین مدیران، اعضاء هیات مدیره و سهامداران و ذینفعان را سردرگم نمی‌کند؟ به عنوان مثال در این مورد در فصل سوم قانون پولی و بانکی در ماده ۳۹ که در خرداد ماه ۵۸ تصویب شده است؛ در خصوص لغو فعالیت بانک‌ها که می‌تواند همان انحلال و یا

حرفه ای را رعایت نکردند و بعضاً با نصب بنر و یا به صورت چهره به چهره به مشتریان عنوان می کردند دولتی هستند. به عبارت دیگر شاخصه های برآمده از صورتهای مالی بانک ها تعیین کننده ورشکستگی آنهاست؛ نه دولتی و خصوصی بودنشان. نکته بسیار حائز اهمیت دیگر، اینکه دولت و بانک مرکزی باید تدابیر لازم برای تقویت اعتماد مردم به بانک ها را اتخاذ کند و با نظارت های مستمر و با اعمال و اجرایی شدن مقررات کمیته بال که طی چند سال اخیر بانک مرکزی آن را ابلاغ و بانک ها را ملزم به رعایت آن کرده است، با انتشار نتایج و گزارش های آن همراه با تحلیل و تصمیم گیری قبل از وقوع مشکلات و بحران ها اجازه ندهند این بی نظمی ها که در برخی موسسات و بعضاً بانکها اتفاق افتاده است، به بدنه مردم و سپرده گذاران کشیده شود.

### ➤ به نظر شما چه عواملی باعث ورشکستگی بانک ها می شود؟

با توجه به اینکه امروزه، "سرمایه" و "زبان عملیاتی" به عنوان اصلی ترین شاخص های اعلام ورشکستگی بانک ها تلقی می شود، لذا موارد ذیل که مرتبط با این دو شاخص است، به عنوان عوامل اصلی ورشکستگی محسوب می شوند.

۱) در کاهش و یا افزایش سرمایه باید نظارت و سخت گیری های دقیقی صورت گیرد و به صورت واقعی و صحیح افزایش سرمایه انجام شود؛ یعنی به زبان ساده بتوان در مواقع لزوم از محل سرمایه به راحتی زبان را پوشش و دارایی ها را به نقدینگی تبدیل کرد.

۲) مورد دیگر، صاحبان سهام و مسأله دینفیع واحد است که متأسفانه تاکنون در برخی از بانک ها رعایت نشده است.

۳) تامین مالی پایدار و همچنین تامین منابع با نرخ معقول در شرایطی که نرخ تسهیلات پرداختی دستوری اعمال می شود.

۴) رقابت های غیر حرفه ای با رقبا.

۵) نبود توجه به بازدهی و بهره وری در فعالیت های بانکی.

۶) عدم تطابق هزینه ها و درآمدهای بانک ها.

۷) پرداخت تسهیلات ضعیف و غیرحرفه ای و همچنین اعطای آن به اشخاص مرتبط.

۸) پذیرش ریسک بالا برای فعالیت های سازمانی.

۹) عدم استقرار حاکمیت شرکتی و نظارت های سازمانی.

۱۰) عدم شفافیت در صورت های مالی و توافقات بین بانکی برای پوشش زبان عملیاتی.

### ➤ آیا آماری از میزان سپرده های مردم نزد بانک های دولتی و خصوصی به تفکیک دارید؟ از نظر شما تمایل مردم به خروج سپرده های بانکی از بانک های دولتی بیشتر است یا خصوصی؟

بالغ بر ۱۳ هزار میلیارد ریال سپرده های مردمی نزد بانک هاست که این میزان با توجه به افزایش نقدینگی نسبت به سالهای قبل افزایش داشته است. البته به دلیل ارائه خدمات بهتر بانک های خصوصی سپرده های مردمی نزد بانک های خصوصی بیشتر است اما با توجه به منابع دولتی نزد بانک های دولتی معمولاً مبالغ بانک های دولتی قابل توجه است. در شرایط بحران و با وجود شبکه های اجتماعی و شایعات و اخباری که بعضاً همراه با غلو و بزرگنمایی

است، مردم اعتماد بیشتری به بانک های دولتی دارند. این نکته را هم باید خاطر نشان کرد در کشور ما بالغ بر ۲۱۵۰۰ شعبه بانک و موسسه اعتباری وجود دارد که بانک های دولتی سهم بیشتری در این خصوص دارند (بانک ملی بیش از ۳۰۰۰ شعبه، بانک صادرات بیش از ۲۵۰۰، بانک کشاورزی حدود ۲۰۰۰ شعبه، بانک سپه بیش از ۱۷۰۰ شعبه و بقیه بانک های دولتی بالای ۱۰۰۰۰ شعبه دارند).

### ➤ به نظر شما از نظر قانون، بانک مرکزی تضمین کننده سپرده های مردم نزد بانک ها و موسسات پولی و مالی محسوب می شود؟

پاسخ این سوال را از دو جنبه بررسی می کنیم: نخست اینکه آیا در قانون به صراحت آمده بانک مرکزی تضمین کننده سپرده های مردم نزد بانک هاست؟ خیر، اینطور نیست. البته یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی نظارت بر بانک ها و موسسات اعتباری است (ماده ۱۱ فصل دوم قانون پولی و بانکی). از سوی دیگر، تعیین نسبت دارایی های آنی بانک ها به تمام دارایی ها، انواع بدهی های آنها، تعیین نسبت مجموع سرمایه پرداخت شده و اندوخته بانک ها به انواع دارایی ها، رسیدگی به عملیات و حساب ها و اسناد و مدارک بانک ها و همچنین تایید صورت های مالی بر عهده بانک مرکزی است و این موارد اگر درست، دقیق و به موقع انجام شود به طور قطع از بحران های اتفاق افتاده، پیشگیری خواهد شد. ناگفته نماند موارد اتفاق افتاده اخیر در برخی از موسسات که قبلاً براساس خلاءهای قانونی که وجود داشته شکل گرفته است و متأسفانه مردم هم فریب وعده های آنها را خورده و سپرده هایشان را نزد آنها گذاشته اند، هم اکنون با برنامه های صورت گرفته توسط بانک مرکزی در حال ساماندهی است. همانطور که گفتم دولت و بانک مرکزی باید برنامه ریزی لازم برای جلب اعتماد مردم به بانک ها را داشته باشند؛ چراکه در هر نظام و کشوری بانک ها جزء عوامل پایدار اصلی به شمار می روند و به طور قطع عملکرد آنها می تواند مستقیماً بر اقتصاد، اشتغال و رفاه خانواده ها تأثیر محسوسی داشته باشد. لذا اگر بانک مرکزی به طور قانونی تضمین کننده سپرده های مردمی نیست؛ حداقل می تواند با رتبه بندی بانک ها بر اساس نظارت ها و شاخص هایی که تضمین می کند، مردم را راهنمایی کند.

### ➤ به نظر شما خروج سپرده های مردم از بانک ها چه تبعاتی دارد؟ این پول ها وارد چه بخش هایی از اقتصاد می شود و چه نتایجی را به دنبال خواهد داشت؟

در شرایط عادی صاحبان سپرده با توجه به آینده نگری و پیش بینی هایی که دارند تصمیم می گیرند که وجوه خود را از بانک خارج کنند. به عنوان مثال آمارهای بانکی نشان می دهند در ماه های پایانی سال معمولاً برای هزینه های جاری و ساماندهی حساب های صاحبان سپرده، خروج منابع از بانک ها بالاست و در استان های مختلف به تناسب اقلیم و شرایط اقتصادی آن استان متغیر است. مثلاً استان هایی که در فصل کاشت در بخش کشاورزی فعالیت بیشتری دارند، خروج منابع زیاد است و در فصل برداشت ورود منابع را شاهد هستیم. یا استان هایی که درآمد آنها از طریق گردشگری، توریست و بازار تامین می شود؛ ورود و خروج پول در زمان مربوطه طبیعی است. همچنین زمانی که بازار مسکن رونق بیشتری دارد، منابع بانک ها بیشتر به سمت مسکن و سایر بازارهای

## دولت و بانک مرکزی باید برنامه ریزی لازم برای جلب اعتماد مردم به بانک ها را داشته باشند؛ چراکه در هر نظام و کشوری بانک ها جزء عوامل پایدار اصلی به شمار می روند و به طور قطع عملکرد آنها می تواند مستقیماً بر اقتصاد، اشتغال و رفاه خانواده ها تأثیر محسوسی داشته باشد. لذا اگر بانک مرکزی به طور قانونی تضمین کننده سپرده های مردمی نیست

مالی سوق پیدا می کند. اما در شرایط خاصی که مردم فقط از نگرانی و نداشتن اعتماد منابع خود را از بانک ها خارج می کنند، متأسفانه به سمت و سوی سوق پیدا می کند که برای اقتصاد کشور مفید نیست؛ مانند ترویج ربا که سوء استفاده کنندگان از این فرصت استفاده می کنند. یا انتقال وجوه به خارج از کشور به ویژه در شرایط کنونی که وضعیت بازار بورس و سهام شرایط خوبی ندارد؛ این نگرانی بیشتر وجود دارد. البته سیاست های دولت می تواند در هدایت و راهبری این منابع بسیار مؤثر باشد.

### ➤ از دیدگاه شما آیا وجود این همه بانک با شعب متعدد در کشور ضروری است؟ استانداردهای جهانی در این خصوص چه تعریفی دارد؟

اولاً از نظر جهانی استاندارد خاصی برای تعداد شعب بانک ها وجود ندارد. ثانیاً در رتبه بندی که در کشور های مختلف صورت می گیرد کشور ما از نظر سرانه تعداد شعب به جمعیت به نسبت وضعیت مناسب تری دارد. از جمله نکات مهم و قابل تامل در نظام بانکی کشور موضوع کمی و کیفی شعب بانک هاست که از نظر تعداد و همچنین پراکندگی و کارایی قابل بحث است. ایران با این وسعت و جمعیت و از همه مهمتر شرایط اقلیمی و جغرافیایی حاکم بر کشور می تواند از نظر اقتصادی و میزان تولید ناخالص داخلی قابلیت های خوبی داشته و به تناسب هر استان و به نسبت جمعیت آن محدوده اثرگذار باشد. برای هدایت و راهبری صحیح منابع و درآمد هر منطقه، بانک ها می توانند نقش حائز اهمیتی ایفا کنند. هرچند با توسعه و ایجاد بستر بانکداری الکترونیکی و هزینه های بالای شعب فیزیکی، شاید بهتر باشد تعداد شعب از لحاظ فیزیکی کاهش یابد و به سمت مجازی برود و سرعت عملیات بانکی و در نتیجه سرعت گردش پول بدین طریق افزایش یابد. بر اساس آمار صندوق بین المللی پول در ایران به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر حدود ۲۷ شعبه بانکی وجود دارد که در این فرض برای هر ۳۷۰۰ ایرانی یک شعبه بانک فعالیت می کند. البته با وجود انتقاداتی که نسبت به تعداد بالای شعب در کشور مطرح می شود، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و حتی کشورهای توسعه یافته آمارها حاکی از این است که ایران از وضعیت نسبتاً متعادلی برخوردار است. به عنوان مثال در فرانسه به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر حدود ۳۸ شعبه بانکی و یا در ژاپن به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۳۴ شعبه بانکی وجود دارد. البته کشورهایی مانند پاکستان، عربستان، هند و حتی ترکیه تعداد کمتری





به این کمیته ارسال کنند تا پاسخ آنها را بدهیم. یکی از مشکلات مردم این بود که اشکالاتی در طرح سوالات داشتند. به عنوان مثال سپرده ای داشتیم که ماهیت آن مشارکت بود. (از آنجا که عوام تفکیک انواع سپرده را تمییز نمی دهند) از مراجع می پرسیدند که سپرده ای باز کردند به عنوان قرض و معادل آن سپرده هر ماه یا سالانه بانک به آنها سود می دهد، از نظر مراجع هر مازادی بر قرض حرام است. اما وقتی که توضیح می دادیم که ماهیت این قراردادی که بسته شده، مشارکت است و این سپرده در سرمایه گذاری ها استفاده می شود و چون زمان آن ۵ ساله است به تناسب آن سود بیشتری به صورت علی الحساب عاید می شود و به صورت مقطوع هم پرداخت می شود. این سوال با این توضیح معلوم می شد مشکلی ندارد و حلال اعلام می کردند. اینها نکات ریزی است که به نظر من مجموعه متولیان امور بانکی چه بانک مرکزی که در راس است و چه وزارت اقتصاد و دارایی باید این خلاء را پر کنند و خواسته مراجع عظام را محقق کنند.

### آیا نباید مراجع به یک اجماعی بین خود برسند؟

در چنین موضوعاتی قوانین بانکداری حاکم بر کشور را شورای نگهبان تایید کرده و نظر فقهی خود علماست و مقلدین آنها هم ملزم به اجرای آن هستند. اما در موارد ریز خیلی جای بحث نیست. تمامی مراجع و علما و عموم مردم نسبت به کلیات نظرشان یکی است؛ مثلا در مورد عقود بر این باورند اگر عقد شرعی بسته و صحیح اجرا شود؛ اشکالی ندارد. مشکل زمانی پیش می آید که این عقود و قوانین درست اجرا نمی شود. وقتی درخواست، عقد، فاکتور و ... صورتی هستند و نوع پولی که برای این کار داده می شود در جای دیگری استفاده می شود؛ به اصل قرارداد شبهه وارد می شود. بنابراین در این خصوص نیاز به عزم دو جانبه ای داریم؛ هم مراجع باید نمایندگان خاصی را که امین آنها هستند، معرفی کنند و بانک مرکزی هم شورا و یا مشاوره در این خصوص تعیین کند که مورد قبول مراجع باشد و اینگونه موضوعات را در آن شورا حل کنند. نکته حائز اهمیت اینکه جای تاسف دارد هنوز نسبت به بانکداری ما شبهه وارد است.

### به نظر شما برای جلوگیری از سرگردانی نقدینگی در جامعه چه راهکارها و تدابیری باید اندیشیده شود؟

نقدینگی به پول و شبه پول اطلاق می شود و به عنوان مهمترین متغیر بازار پول از اهمیت ویژه ای در کشور برخوردار است. در کشورهایی که در هدایت نقدینگی صحیح عمل کرده اند، رشد اقتصادی، اشتغال و افزایش بهره وری را شاهد بوده ایم. به عنوان مثال اگر نقدینگی کشور به سمت تولید و بخش های مولد اعم از صنعت، کشاورزی، استفاده از ظرفیت ها و منابع خدادادی مانند معدن، دریا و ... سوق پیدا کند؛ شاید طی سال های اول سختی هایی را به دنبال داشته باشد اما در میان مدت و به ویژه درازمدت اثرات بسیار خوبی بر اقتصاد خواهد گذاشت. از آنجا که کالاها و قیمت آنها ارتباط مستقیمی با میزان نقدینگی و سرعت گردش آن دارد، رشد بی رویه نقدینگی باعث رشد سریع تقاضا برای کالا و خدمات شده و برای اینکه در کوتاه مدت عرضه کالا و خدمات محدود است، این امر منجر به ایجاد تورم در اقتصاد می شود. یکی از وظایف بانک مرکزی سیاست های پولی است که با ابزارهایی که

ربا در شبکه گسترده بانکی رعایت نمی شود باید بگویم شبکه بانکی یک سیستم گسترده ای است. با توجه به اینکه سیاست ها هم در سیستم بانک مرکزی و هم در مجموعه هیأت مدیره بانک ها در کلان بسته می شود، قطعاً اعتقاد، باور و تصمیم آنها بر این است که نظام بانکداری بدون ربا در مجموعه های خود اجرا کنند، اما هنگامی که این قوانین به زیر مجموعه ها می رسد و در موقع اجرا یک سری تفسیرهایی پیش می آید که عملاً اجرای کامل آن قوانین میسر نمی شود. این امر دو دلیل دارد؛ نخست اینکه قوانین ما جامعیت لازم را ندارد و برای ضرورت وضع موجود نوشته و تصویب شده بود. ثانیاً تعداد عقود در بانکداری بدون ربا و ضوابطی که برای اجرا تدوین می شود؛ حائز اهمیت است. بازنگری قوانین وظیفه بانک مرکزی است. چندی پیش شورای فقهی بانک مرکزی تشکیل شد که مقام معظم رهبری تاکید داشتند موضوع این شورا باید کاربردی تر و اثرگذارتر باشد؛ به گونه ای که در ساختار بانک مرکزی دیده شود و تشکیلات ساختاری به آن دهند. اما بخشی از گله مندی مراجع واقعیت هایی است که در سطح بانک ها مشاهده می کنند و مطابق با موازین شرعی نیست. بخش عمده ای از این اشکالات به نبود یک رابط مسلط به امور فقهی و شرعی در بانک ها برمی گردد که بتواند عملکرد بانکی را با موازین شرعی و همچنین نظر مراجع تطبیق دهد. مراجع نظرهای مختلفی در مورد قرض، کارمزد قرض الحسنه و عقود مشارکتی و ... دارند. جا دارد یک خاطره ای را برایتان بازگو کنم؛ زمانی که مدیرکل مجموعه بانکی در استان قم بودم، یکی از ابتکارات ما این بود که یک کمیته تطبیق عملکرد بانک خودمان را با موازین شرعی تشکیل دهیم. در همین راستا از مراجع عظام دعوت کردیم در این کمیته نمایندگانی داشته باشند. یک سری جلسات مستمر و مشخص تعریف کرده و از آن طرف هم به مقلدین آنها اعلام کردیم هر سوالی دارند

نسبت به ایران شعبه بانکی دارند.

### چرا طرح تحول نظام بانکی کشور اجرایی نمی شود؟

یکی از اقدامات بسیار خوب دولت یازدهم و بانک مرکزی موضوع طرح تحول نظام بانکی کشور بود که کلید آن از دو سال پیش زده شد و مباحث و موضوعات خوبی را در این خصوص مطرح و تصمیم گیری کردند که مهمترین آن شناسایی و رفع چالش های حوزه نظام بانکی و افزایش کارآمدی و بهره وری بانک ها بویژه در توسعه و رشد اقتصادی کشور بود. سال گذشته نیز دکتر روحانی رئیس جمهور محترم، با اعلام طرح تحول موارد خوبی همچون "انضباط پولی و شفافیت" و "نظم دهی به بدهی های دولت" را بیان داشت و قرار بود با اجرای این طرح رونق اقتصادی کشور را شاهد باشیم. با ابلاغ این طرح از سوی دولت و نامگذاری سال ۹۵ و ۹۶ از سوی مقام معظم رهبری به نام اقتصاد مقاومتی، تولید- اشتغال انتظار می رفت تحولات شکلی و محتوایی در اقتصاد صورت گیرد، اما متأسفانه هم به دلیل عدم جامعیت طرح و هم عدم اجرای دقیق توسط همه دستگاه های ذیربط نتیجه مطلوب را دنبال نداشت.

### از دیدگاه شما چه زمانی می توانیم شاهد اجرای دقیق نظام بانکداری در کشور باشیم؟ بسیاری از علما سیستم فعلی را اسلامی نمی دانند.

باز می گردیم به نکته ای که در ابتدا به آن اشاره کردم؛ قوانین بانکی موجود جامعیت لازم در خصوص بانکداری بدون ربا و همچنین بانکداری نوین را ندارد و ابتدا باید آسیب شناسی جامعی در این خصوص صورت پذیرد، سپس نسبت به رفع آسیب ها و خلاءهای قانونی اقدامات لازم انجام شود. در خصوص گله مندی علما و مراجع عظام از سیستم بانکی که البته بخشی از مطالب آنها متأسفانه در اجرای صحیح بانکداری بدون

در اختیار دارد حجم نقدینگی را باید کنترل کند تا به اهداف کلان اقتصادی مانند کنترل تورم، توسعه تولید و ایجاد توازن در پرداخت های خارجی و همچنین ایجاد اشتغال دست یابد. کنترل نقدینگی به عنوان وسیله ای برای رسیدن به اهداف نهایی اقتصاد است. می توان گفت سرگردانی پول های نقد موجب بروز مشکلاتی در اقتصاد خواهد شد. لذا باید بتوانیم نقدینگی های سرگردان را در مسیر خود قرار دهیم و از این سرمایه ملی به بهترین شکل استفاده کنیم. البته طی سال های اخیر متولیان اقتصاد و مجریان پولی توانسته اند در بسیاری از این زمینه ها موفقیت هایی کسب کرده و در مسیر رشد قرار گیرند. اما تغییر و تحولات و عدم ثبات مدیریتی، متغیرهای اقتصادی را عاری از فراز و نشیب نگذاشته است و در این میان بانک ها می توانند نقش پررنگی در هدایت نقدینگی در مسیر اصلی به دولت ها ایفا کنند؛ البته اگر مدیریت دستوری در این موارد حاکم نباشد.

### ادغام موسسات مالی در بانک ها چقدر می تواند به رفع مشکلات موجود سیستم بانکی کمک کند؟

موضوع ادغام موسسه ها و بانک ها اگر بر اساس شاخص های علمی و منطقی صورت گیرد؛ قطعا می تواند در کارآمدی بانک ها موثر باشد. متأسفانه ادغام های صورت گرفته براساس اصول علمی نبوده و تنها با سیاست کوچک کردن و کم کردن به هر شکل ممکن در حال انجام است که این موضوع خود اشکالاتی از جمله مواردی که اخیراً شاهد آن بوده ایم (کاسپین و...) را به همراه دارد. اگر ادغام ها بر اساس شاخص های کمی و کیفی باشد، به این صورت که بانک مرکزی رتبه بندی بانک ها را از گرید A تا D اعلام کند؛ بعد مشخص کند بانک هایی که در دسته چهارم قرار دارند یا باید خود را به شرایط مورد نظر برسانند یا اگر نمی توانند با بانک های گرید C ادغام شوند و حاصل آن یک بانک با گرید B شود. سپس در یک پروسه و زمان مشخصی در کشور اعلام کنیم که تمام بانک ها در دو شاخه و گرید A و B هستند و این یک موفقیت بزرگ محسوب می شود. مردم هم انتخاب می کنند چه حجم سرمایه گذاری را می توانند در بانک ها با رتبه های مختلف انجام دهند. رتبه بندی بانک ها یک خلاء اساسی است. اگر بانک مرکزی رتبه بندی بانک ها را از نظر کیفیت و کمیت و بر اساس شاخص های استاندارد و مقررات کمیته بال اعلام کند و اینکه آیا می توان این رتبه بندی را در ایران هم اجرا کرد و بانک ها را در آن شاخص بندی قرار داد و رتبه بانک ها معلوم شود؛ بسیاری از مسایل و مشکلات حل می شود. در آن صورت ادغام بانک ها بر اساس اصول علمی صورت می گیرد و توانمندی بانک ها بیشتر می شود. به عنوان مثال ۸ مجموعه بانکی با هم ادغام و موسسه ای به نام آرمان تشکیل شد. سپس موسسه آرمان را با فردوسی و یکی دو مجموعه دیگر ادغام کردند و موسسه کاسپین شکل گرفت که عملاً نتوانستند ظرفیت، توانمندی و هم افزایی لازم را در این بانک تازه ادغام شده ایجاد کنند که بتواند جوابگوی مردم باشد. (البته از نظر حقوقی و اصولی ادغام معنی ندارد؛ یعنی باید مجموعه ای منحل شود بعد دارایی ها و بدهی های آن را به یک مجموعه دیگر منتقل کنند و تعهدات آن را بپذیرند). هدف از ادغام ها این است که نظارت بانک مرکزی بیشتر شود؛ اما متأسفانه طی این سالها شاهد بودیم که ادغام ها بصورت اسمی بوده است و در عمل، هر مجموعه کار خود را ذیل یک تابلو

مشترک، انجام میداده و از نظر قانون مشکلاتی را بوجود آورده اند که نتیجه آن مسائلی است که اخیراً شاهد بودیم؛ مثل موسسات فرشتگان، میزان، آرمان و کاسپین. **اشاره کردید وظیفه بانک مرکزی نظارت است نه تضمین سپرده ها. آیا بانک مرکزی موظف نیست به هنگام ورشکستگی بانک ها به آنها پول تزریق کند تا مشکلی برای آنها و سپرده های مردم پیش نیاید؟**

ورشکستگی در سیستم نظام بانکی از منظر دو قانون مورد بررسی قرار می گیرد. یکی قوانین تجارت است که به صراحت آمده اگر میزان زبان عملیاتی از نصف سرمایه بیشتر باشد؛ آن مجموعه ورشکسته است و یا باید منحل شود و یا باید سرمایه اش را افزایش دهد تا بتواند از آن محل زبان را پوشش دهد. دیگری در قوانین پولی و بانکی است که در خرداد ۵۸ مصوب شد. یکی از مواردی که می تواند انحلال مجموعه ای را به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی به رئیس شورای پول و اعتبار اعلام کنند ضعف یا عدم قدرت پرداخت سپرده های مردم است که البته بعداً در ماده ۹ قانون مدیریت امور بانک ها این موضوع به مجامع عمومی فوق العاده بانک ها منتقل شد. تا زمانی که هنوز بانک های خصوصی به وجود نیامده بودند مجمع عمومی فوق العاده بانک ها را دولت انتخاب می کرد. اما بعد از تاسیس بانک های خصوصی مجامع هم از اختیار دولت خارج شد؛ چرا که

### یکی از اقدامات بسیار خوب دولت یازدهم و بانک مرکزی موضوع طرح تحول نظام بانکی کشور بود که کلید آن از دوسال پیش زده شد و مباحث و موضوعات خوبی را در این خصوص مطرح و تصمیم گیری کردند که مهمترین آن شناسایی و رفع چالش های حوزه نظام بانکی و افزایش کارآمدی و بهره وری بانک ها بویژه در توسعه و رشد اقتصادی کشور بود

هیات مدیره و مجامع را صاحبان سهام مشخص می کردند. بنابراین بانک مرکزی نمی تواند زبان عملیاتی سوء مدیریت بانک ها را پرداخت کند.

در بحث نقدینگی بانک هایی که ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی دارند که کمتر از ۱۰ درصد و بیشتر از ۳۰ درصد نباید باشد اگر ضرورت داشت به آنها تزریق میکند. مشکل این مجموعه های بانکی این است که هنوز تحت نظارت کامل بانک مرکزی در نیامده اند و آن ذخیره قانونی را نزد بانک مرکزی تودیع نکرده اند؛ به همین دلیل بانک مرکزی نمی تواند آنها را پشتیبانی کند. این را هم ضعف بانک مرکزی می توان قلمداد کرد؛ زیرا مجموعه ای که در تابلو آن نوشته شده است تحت نظارت بانک مرکزی، چه طور بانک مرکزی نتوانسته ذخیره قانونی را از آنها بگیرد؟

البته دولت راهکارهایی را برای موسساتی مثل کاسپین پیشنهاد داده و یک خط اعتباری برای این موسسه تعیین کرده است. اما واقعیت این است که بسیاری از بانک های ما به این مشکل دچار هستند. یعنی منابع و سپرده ها را جاهایی که بانک مرکزی مشخص کرده، سرمایه

گذاری نکرده اند، یا تسهیلات به افراد خودی و صاحبان سهام ارائه شده، یا در کارهای اقتصادی برای مجموعه خود مصرف کرده و یا دارایی هایی را خریداری کرده اند که قدرت نقدشوندگی خیلی پایینی دارد و یا سرمایه گذاری هایی با ریسک بالا انجام داده اند و این تزلزل ها در سیستم بانکی متأسفانه مترتب است و هر لحظه ممکن است آنها را دچار بحران کند. با توجه به اینکه بانک ها نقش موثر و جایگاه ویژه ای در اقتصاد کشور دارند اگر اعتماد از مردم سلب شود و نتوانند با مدیریت صحیح و جلب اعتماد مردم منابع را جذب کنند، هم در سیاست های مدیریت نقدینگی کشور دچار مشکل می شوند هم منابع و نقدینگی مردم در جاهایی سرمایه گذاری می شود که به صلاح کشور نیست. به عنوان مثال زمانی که بازار هایی مثل مسکن و بورس موقعیت مناسبی دارند سرمایه های سرگردان در این بخش ها سرمایه گذاری می شود. اما زمانی که وضعیت تولید و بازارهای دیگر نامناسب است به جای اینکه نقدینگی در این بازارها سرمایه گذاری شود هر لحظه ممکن است این پولها از کشور خارج شده و منافع آن نصیب دیگران شود.

### اعلام شده ۱۲ بانک نمی توانند به سرمایه گذاران خود سود بدهند و کفایت سرمایه گذاری آنها زیر ۸ درصد است. نظر شما در این خصوص چیست؟

این صحبت و جاهت قانونی ندارد. برای اینکه توافقات بانک از یک ماهیت حقوقی برخوردار است که با سرمایه گذار توافق کرده پولی را با شرایط مشخص و با سود علی الحساب در بانک سرمایه گذاری کند، لذا با بانک باید اعلام ورشکستگی کند که طبق ضوابط و قوانین خاص خود، ورشکستگی را محاکم قضایی اعلام می کند (که یک مجموعه ورشکسته است و طلبکاران با این شرایط اصل سرمایه خود را بگیرند و دیگر سودی به آنان تعلق نمی گیرد)، و یا اگر قانون تایید نکرده که این مجموعه ورشکسته است نمی توانند بگویند سود نمی دهند و عملاً سرمایه گذاران می توانند اقدامات حقوقی علیه آنها انجام دهند. مشکل اساسی اکثر بانک ها عدم بهره وری لازم است؛ یعنی نمی توانند از کمترین امکانات و دارایی ها و منابع بیشترین منافع را ایجاد کنند. هزینه تمام نشده پول بانک ها بالاست و رقابت های غیرحرفه ای با هم دارند. اعم از هزینه شعبه ها که بهترین مکان ها را انتخاب و شیک ترین و بهترین تجهیزات را نصب می کنند و از طرف دیگر هزینه نیروی انسانی آنها و تامین منابع افزایش پیدا می کند؛ اما درآمدشان هیچ افزایشی پیدا نمی کند که بعضاً کم هم می شود. بسیاری از بانک ها در قبال طلب خود ملکی که در رهن بانک بوده را بر می دارند و به دلیل اینکه طی چند سال اخیر بازار مسکن، رکود داشته و هیچ رشدی نکرده است اما در مقابل، بانکها سود را به صورت روز شمار به سرمایه گذارها داده اند، باعث شده بانکها زبان بالایی را متحمل شود.

چنانچه بتوان وضعیت سود را در سیاست های کلان و در مجموعه هیات مدیره بانک ها مشخص کرد، قیمت تمام شده پول را کاهش داد، منابع ارزان تری ایجاد و تسهیلات را در جای درست استفاده کرد، هزینه های غیرضروری را کاهش داده و نهایتاً آنکه انتخاب مدیریت عالی بانکها از بین افراد متخصص و باسابقه حیطة مدیریت مالی صورت پذیرد، آنگاه می توان از محل سرعت گردش پول، زایش درآمد بیشتری را ایجاد کرد که این موضوع از نکات اصلی و مهمی است که باید در سیستم بانکی اعمال شود.